

بازشناسی حقوق حیوانات در فقه امامیه، با تأکید بر حق نفقه^۱

مصطفی طباطبایی*

حسن سلیمانی علیدادی**

چکیده

مسئله حقوق حیوانات در قرن اخیر بسیار مورد توجه قرار گرفته است. فعالان و جنبش‌های حمایت از حقوق حیوانات بر این عقیده‌اند که عموم ادیان نسبت به مسئله حقوق حیوانات کوتاهی و کم‌توجهی داشته‌اند و اعتراض‌های فراوانی به ادیان وارد می‌کنند. هدف از این پژوهش بازشناسی دیدگاه اسلام نسبت به این مسئله است. این هدف با بررسی روایات اهل بیت علیهم السلام و کلام فقهاء گرانقدر شیعه انجام شده و در طی آن حقوق حیوانات از منظر فقه امامیه با تکیه بر حق نفقه مورد بررسی قرار گرفته است و تصویر کامل و جامعی از عنایت ویژه اسلام نسبت به آن ارائه شده است. بر اساس این پژوهش اولاً دین اسلام برای تمام موجودات عالم -به حسب جایگاهشان در دستگاه خلقت- در راستای رسیدن به کمال خود، حقوقی را قائل است، و بر خلاف عقیده مدافعان حقوق حیوانات، آموزه‌ها و تعالیم زیادی در ارتباط با حقوق حیوانات دارد، خصوصاً اینکه در مقایسه با دیگر ادیان، بسیاری از آن حقوق را نه تنها در قالب توصیه اخلاقی بلکه فراتر از آن و به صورت حکم شرعی و قوانین فقهی بیان نموده است که حاکی از اهمیت آنها و تضمین اجرایشان است. ثانیاً فقهاء شیعه علاوه بر اینکه در ابواب مختلف فقهی بر لزوم رعایت حق حیات حیوانات به طرق مختلف اذعان نموده‌اند، همچنین با دقت نظر در مورد نفقه آنها، موارد آن، مسؤول آن و چگونگی تأمین و تهیه آن نیز با استفاده از تعالیم عالی اسلام به ایراد نظر و ابراز فتوا پرداخته‌اند.

کلید واژه‌ها: حقوق حیوانات، اسلام، فقه شیعه، حق نفقه.

۱. تاریخ وصول: ۱۳۹۷/۰۳/۰۸ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۷/۱۲/۱۴

* دکتری تخصصی و دانش‌آموخته سطح ۴ حوزه علمیه قم، قم، ایران (نویسنده مسئول) smtaba61@gmail.com

** استادیار پردیس بین‌الملل دانشگاه تهران، کیش، ایران

۱- مقدمه

اعتقاد ما بر این است که دین اسلام، دینی جامع و کامل بوده و به همه مسائل تاثیرگذار در زندگی دنیوی و اخروی توجه دارد. سرنوشت انسان در گرو رابطه او با خداوند، خودش و محیط اطرافش یعنی دیگر موجودات اعم از انسان‌ها و حیوانات می‌باشد. انسان همانگونه که نسبت به دیگر انسانها دارای وظایفی می‌باشد، نسبت به حیوانات نیز وظایفی بر عهده دارد.

حیوانات از همان دوران انسان‌های اولیه، همواره در کنار انسان‌ها بوده‌اند و انسان به انواع مختلفی از آنها در امور زندگی خود استفاده می‌نماید، مانند استفاده از حیواناتی چون گاو، اسب، الاغ، قاطر و ... برای باربری، سواری، کشاورزی و ... استفاده از سگ در امور نگهبانی و حراست از منزل و گله و ... علاوه بر این، از منابع مهم تامین خوراک و پوشاک انسان، شیر، گوشت، پوست، پشم و ... حیوانات است.

امروزه ۲ جریان مهم حمایت از حقوق حیوانات در دنیای غرب مطرح است که هر دو حاصل نظریات و تفکرات دو فیلسوف معاصر پیتیر سینگر^۱ (۱۹۴۶-) و تام ریگان^۲ (۱۹۳۸-) است. سینگر با تالیف کتاب معروف «آزادی حیوانات»^۳ در سال ۱۹۷۵ که به انجیل جنبش حقوق حیوانات معروف است و ریگان با تالیف کتاب «پرونده‌ای برای حقوق حیوانات»^۴ در سال ۱۹۸۳ با تبیین دیدگاه‌های فلسفی بر پایه اصول اخلاقی و بدون نزاع‌های دینی باعث ایجاد جنبش عظیم دفاع از حیوانات شدند.

فعالان و حامیان جنبش‌های حمایت از حیوانات معتقدند، در جوامع و قوانین بشری جز در موارد انگشت شمار، قوانینی پیرامون حمایت از حیوانات دیده نمی‌شود. جردن کورنات^۵ استاد دانشگاه سنت کلود گوید:

«حقوق حیوانات در قوانین بشری از زمان بابلی‌ها تا دوران معاصر، شفاف است: حیوانات هیچ حقی ندارند! از منظر حقوق، حیوانات تنها مانند اشیاء و مملوکات انسان هستند، و اگر می‌بینیم که گاهی قانون در حمایت از حیوانات بر می‌آید، تنها به این هدف و دلیل است که حیوانات به انسان سود می‌رسانند»
(Curnutt, 2001, 29)

1 .Peter Singer

2 .Tom Regan

3 .Animal Liberation

4 .The Case for Animal Rights

5 Jordan Curnutt

بلکه حتی در برهه‌ای از زمان که اندیشه‌های فلسفی با گسترش چشمگیری در جهان مواجه شد، برخی از فیلسوفان مانند توماس آکویناس^۱ (۱۲۲۵-۱۲۷۴) حکیم و فیلسوف بزرگ ایتالیایی منکر این شدند که حیوانات مستحق ملاحظه و حق و رعایت باشند. رنه دکارت^۲ (۱۵۹۶-۱۶۵۰) نیز با آکویناس هم عقیده بوده و گوید حیوانات همانند ماشین‌هایی زنده هستند. (Franklin, 2005, 1; Yount, 2008, 4)

از اواخر قرن ۱۸ میلادی است که تفکرات فلسفی با تعدیل نسبت به طبیعت، حیوانات و ارزش و شان آنها، باعث شکل‌گیری جنبش‌های حمایت از حقوق حیوانات گردیده است. (Mack, 2012, 34; Sherry,)

۵ (2009, xxii; Yount, 2008, 5) جرمی بنتام^۳ (۱۷۴۸-۱۸۳۲) با نقد اندیشه‌های فلاسفه گذشته، و بیان دیدگاه‌های جدید فلسفی خود، آغازگر راهی است که نتیجه آن تشکیل انجمن‌های حمایت از حقوق حیوانات در سالیان اخیر است. بنتام تصریح دارد که هرگونه رفتاری که باعث ایجاد درد و رنج شود، مطرود و مورد اعتراض است، و رفتار انسان‌ها با حیوانات نیز مشمول این اصل است. (Sherry, 2009, 11; Yount, 2008, 5) وی گوید:

«سوال این نیست که آیا حیوانات تعقل می‌کنند؟ یا اینکه سخن می‌گویند؟ بلکه سوال این است که آیا

حیوانات درد و رنج می‌برند؟» (Curnutt, 200, 435)

حرکت‌های حمایت از حیوانات خود به دو دسته اصلی «رفاه حیوانات»^۴ و «حقوق حیوانات»^۵ تقسیم می‌شوند. (Bekof & Goodall, 2010, 49) اگرچه رفاه حیوان سابقه بیشتری دارد اما ملاک معین و مشخصی ندارد، و تئوری‌های متعددی در اینکه ملاک و معیار رفاه حیوان چیست، وجود دارد؛ برخی آنرا بر طبق خلقت طبیعی هر حیوان می‌دانند، برخی دیگر بر پایه احساسات وی تنظیم می‌کنند، دسته سوم تأمین کمبودهای حیوان را معیار می‌دانند، دسته چهارم بر فراهم‌سازی و هموار نمودن مسیر حرکت طبیعی حیوان تأکید می‌نمایند، برخی دیگر رضایتمندی و آسایش حیوان را مطرح می‌نمایند (Nordenfelt, 2006, 52-53) اندیشه حقوق حیوانات به معنای امروزی اش از قرن ۱۸ و به طور جدی از سال ۱۹۷۵ مطرح و مورد توجه قرار گرفته است.

-
1. Thomas Aquinas
 2. René Descartes
 3. Jeremy Bentham
 4. Animal Welfare
 5. Animal Rights

در کل می‌توان عوامل موثر بر جنبش‌های حمایت از حیوانات را ۳ عامل فلسفی، دینی، قانونی دانست؛ و همانگونه که از پیشینه بیان شده روشن است، مهمترین و تاثیرگذارترین عامل، عامل فلسفی است. دیدگاه قانونی و حقوقی دارای تاثیر آنچنانی و نیز طرفدارای زیادی نیست، و خود با ابهامات و سوالات متعددی روبرو است؛ این دیدگاه گوید که قوانین بشری موجود نه تنها «انسان‌گرا»^۱ بلکه «انسان‌محور»^۲ است. (Schaffner, 2011, 4) گری فرانسیونی^۳ استاد حقوق دانشگاه روتگرز که از پایه گذاران این نظریه و حرکت است گوید قوانین نباید تنها با دید و به هدف انتفاع انسان تدوین شوند، بلکه لازم حیوانات و یا حداقل برخی از آنان نیز، حقوقی کاملاً مساوی با انسان داشته باشند. وی تصریح می‌کند «با حیوانات باید انسان‌گونه رفتار شود» (Francione, 2007, 3). ایشان با درجه بندی تمامی حیوانات از نمره ۰ تا ۱۰، گویند تمام حیواناتی که مثلاً نمره بالای ۹ کسب نمایند، مانند انسان، شامپانزه، گوریل، اورانگوتان، وال، دلفین و ...، باید به عنوان یک فرد قانونی شناخته شده و از حقوق شهروندی بهره ببرند. (Sherry, 2009, 11-12; Yount, 2008, 13) اما در مقابل ناقدان این نظریه معتقدند، یکسان سازی حقوق انسان و حیوان، رویکردی صحیح نیست، انسانها دارای حقوق متعدد شهروندی، اجتماعی، سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و ... هستند، یکسان سازی این حقوق نسبت به حیوانات امری بی‌معنی و موجب نقصان ارزشهای انسانی و بشری است. (Waldau, 2011, 56-57) تحلیل استاد شهید مرتضی مطهری از مبنا و منشأ حق، پاسخ روشنی به این مبنا می‌باشد، ایشان گوید:

«حقوق طبیعی و فطری از آنجا پیدا شده که دستگاه خلقت با روشن بینی و توجه به هدف، موجودات را به سوی کمالاتی که استعداد آنها را در وجود آنها نهفته است سوق می‌دهد. هر استعداد طبیعی مبنای یک «حق طبیعی» است و یک «سند طبیعی» برای آن به شمار می‌آید. مثلاً فرزند انسان حق درس خواندن و مدرسه رفتن دارد، اما بچه گوسفند چنین حقی ندارد، چرا؟ برای اینکه استعداد درس خواندن و دانا شدن در فرزند انسان هست، اما در گوسفند نیست. دستگاه خلقت این سند طلبکاری را در وجود انسان قرار داده و در وجود گوسفند قرار نداده است. همچنین است حق فکر کردن و رأی دادن و اراده آزاد داشتن.» (مطهری، ۱۳۶۹، ۱۸۰ و ۱۸۱)

1.S peciesist
2.Anthropocentric
3 .Gary Francione

در کنار این دو دیدگاه، عامل دین نیز بر اندیشه‌ها و حرکت‌های حمایت از حیوانات بی تاثیر نبوده است، هر چند که تاثیر آن کم و ناچیز است. البته فعالان حقوق حیوانات معتقدند حیوانات در برخی ادیان مانند یهودیت، مسیحیت، و اسلام هیچ ارزشی نداشته و این امر کاملا مشهود است؛ در این ادیان، ارزش حیوانات ناچیز بوده و در حد مملوکات و وسائل زندگی انسان‌ها است. (Bekof & Goodall, 2010, 452;) (Franklin, 2005, 1; Sherry, 2009, 10

گرچه محققان و پژوهشگران دیگری به بررسی ابعاد حقوق حیوانات در اسلام پرداخته‌اند اما در ادامه این پژوهش دیدگاه اسلام نسبت به حیوانات و حقوق آنها، از منظر حق نفقه مورد بررسی و واکاوی دقیقتر قرار می‌گیرد، و روشن می‌گردد که نظر محققان غربی اگر نسبت به دیگر ادیان صحیح باشد، اما نسبت به اسلام، ناشی از غفلت و عدم آگاهی و احاطه آنها می‌باشد. زیرا فارغ از اینکه دین اسلام در مقایسه با دیگر ادیان، حجم واقعا وسیعتری از آموزه‌ها و تعالیم و توصیه‌ها نسبت به حیوانات و رفتار انسان‌ها با آنها دارد، که حاکی از ارزش و احترام آنها می‌باشد؛ به خلاف دیگر ادیان بسیاری از حقوق حیوانات از حد آموزه‌های اخلاقی فراتر رفته و به عرصه فقه کشیده شده و مساله شرعی و فقهی گشته‌اند، که بیانگر ارزش و اهمیت زیاد آن و ضامن اجرای آنها می‌باشد. دین مبین اسلام، با توجه به شناخت کامل نسبت به همه موجودات، و به منظور رساندن ایشان به هدف نهایی و کمال حقیقی شان، حقوق طبیعی و فطری مورد پذیرش عقل را تشریح و وضع نموده است.

۲- مفهوم حق و حیوان

در لغت ماده «ح ق ق» دلالت بر استواری و پابرجایی چیزی و صحت و مطابقت آن با واقع می‌کند، کلمه «حق» مصدر و به معنای ضد باطل است (ابن درید، بی‌تا، ۱، ۱۰۰؛ ابن فارس، ۱۴۰۴، ۲، ۱۵؛ صاحب، ۱۴۱۴، ۲، ۲۸۶؛ راغب اصفهانی، ۱۴۱۲، ۱، ۲۴۶؛ فراهیدی، ۱۴۱۰، ۳، ۶؛ مصطفوی، ۱۴۰۲، ۲، ۲۶۲) اما در اصطلاح فقه، چند تعریف بیان شده است، برخی آنرا «نوعی از سلطنت بر شیء که متعلق به عین یا عقد یا شخص باشد» (انصاری شیخ اعظم، ۱۴۱۵، ۹/۳؛ طباطبایی یزدی، ۱۴۲۱، ۱، ۵۵) و برخی دیگر «اعتبار خاص دارای آثار مخصوص» (خراسانی، آخوند، ۱۴۰۶، ۴) تعریف نموده‌اند. برخی از این تعاریف مربوط به حقوقی مانند حق تحجیر، حق خیار، حق حضانت و ... هستند و بر حق در بحث ما صادق نیست، زیرا آنچه منظور ما می‌باشد سلطه نیست؛ بلکه امری است که در قبالش مسئولیت و تکلیف است؛

یعنی هر حقی مستلزم تکلیف و مسؤولیت و وظیفه‌ای بر دیگری است، مثلاً اگر گوییم حق پدر بر فرزند این است که احترام او را رعایت نماید، پس حفظ احترام پدر وظیفه فرزند است؛ اگر فردی در جامعه حق داشتن آموزش، بهداشت، و ... دارد، آماده سازی و ارائه این موارد مسؤولیت و وظیفه سرپرستان جامعه است. به عبارت دیگر، حق و تکلیف دو روی یک سکه‌اند، هر جا حقی باشد تکلیفی همراه آن خواهد بود؛ بلکه حقوق، متبادل هستند و هر کس حقی دارد، تکلیفی نیز بر عهده خود هست. (جوادی آملی، ۱۳۸۴، ۳۵؛ مطهری، ۱۳۷۰، ۷۷؛ ۱۳۷۳، ۱۰۹) بنابراین تعریف دوم جامع و صادق بر موضوع بحث ما می‌باشد. لازم به ذکر است که حق بدین معنا کاربرد فراوان و معنای وسیعی نیز در مسائل اخلاقی و عرفانی دارد، این حقوق گاهی واجب و گاهی مستحب و اخلاقی هستند؛ رساله حقوق امام سجّاد علیه السلام به مسؤولیتهایی که انسان در مقابل اشخاص و اشیا دارد اشاره می‌کند. (مکارم شیرازی، ۱۴۲۴، ۶، ۱۴۰)

در علوم عقلی مانند منطق، حیوان را «جسم حساس متحرک بالارادة» تعریف می‌نمایند؛ بیشتر علماء لغت نیز، حیوان را هر دارای روحی دانسته‌اند (ازهری، بی‌تا، ۱۸۶، ۵؛ صاحب، ۱۴۱۴، ۳، ۲۳۸؛ فراهیدی، ۱۴۱۰، ۳، ۳۱۷)؛ طبق این تعاریف حیوان تنها بر انسان و چهارپایان و ... اطلاق می‌شود و بر گیاهان صدق نمی‌کند. اما برخی دیگر از لغویون، حیوان را هر دارای حیاتی دانسته‌اند (ابن سیده، بی‌تا، ۳، ۳۹۷؛ راغب اصفهانی، ۱۴۱۲، ۲۶۹). «حیات» نقیض «موت» و «حی» در مقابل «میت» است که در معانی و مراتب مختلف مانند نیروی رشد و نمو دهنده، نیروی حس کننده، قوه عاقله، و ... استفاده شده است. (ابن درید، بی‌تا، ۱۰۳/۱؛ ابن سیده، بی‌تا، ۳۹۵/۳؛ ابن فارس، ۱۴۰۴، ۲، ۱۲۲؛ ازدی، ۱۳۸۷، ۱، ۳۷۰؛ الجوهری، ۱۴۱۰، ۶، ۲۳۲۳؛ راغب اصفهانی، ۱۴۱۲، ۲۶۹ و ۲۶۸) بنابراین بر گیاهان نیز حیوان صدق می‌کند، زیرا نیروی رشد دهنده از مراتب حیات است.

باید توجه داشته که تعریف حقیقی حیات بسیار دشوار است، و حقیقت آن هنوز هم برای بشر پوشیده مانده است و هر گروهی با توجه به برخی از خصوصیات و عوارض آن، به تعریف حیات پرداخته‌اند. بخشی از ریشه این اختلاف به نحوه دید اندیشمندان به حیات بر می‌گردد. گروهی حیات را تنها در جنبه مادی آن می‌بینند، در حالیکه گروه دیگر به جنبه فرامادی آن هم توجه می‌نمایند؛ برخی مانند زیست‌شناسان فقط به لازمه‌های مادی حیات -مانند تولید مثل، رشد و نمو، تغذیه- پرداخته‌اند؛ و برخی دیگر از لازمه‌های متناسب با جنبه فرامادی حیات نیز سخن به میان آورده‌اند. علامه طباطبایی می‌فرماید، در نظر سطحی حیات نحوه‌ای از وجود است که علم و قدرت از آن نشأت می‌گیرد (طباطبایی، ۱۴۱۷، ۲ و ۳۲۸ و ۳۲۹). این

تعریف شامل گیاهان و حتی به دقت نظر شامل غیر انسان نیز نمی‌شود؛ اما ایشان در جای دیگر تحلیل علمی نموده و می‌فرمایند که ملاک حیات، صدور اعمال مختلف از موجود دارای نفس و جان است؛ و البته این اعمال صادره با هم تفاوت دارند، در برخی به نحو حرکت است و در برخی به نحو سکون؛ و این ملاک در گیاهان نیز وجود دارد؛ و چنین نتیجه می‌گیرند:

«پس گیاهان نیز مانند حیوانات دارای حیاتند، و باید گفت که نظر علمی بر خلاف نظر سطحی، ما را به سوی حیات عمومی هدایت می‌کند، حیاتی که هم در حیوانات است و هم در گیاهان» (طباطبایی، ۱۴۱۷، ۱۰، ۵۱)

بنابراین حیات نحوه‌ای از وجود است که باعث صدور اعمال مختلف از موجود می‌گردد و بر انسان و چهارپایان و گیاهان صدق می‌کند.

حیوان در علم فقه اصطلاح مجزایی ندارد، گرچه در ابواب مختلف فقه مانند تذکیه حیوان، خیار حیوان، تصویر حیوان، و ... مراد از آن مختلف است، گاهی مطلقاً و گاهی تنها حیوانات حلال گوشت و گاهی تنها حیوانات دارای روح و ... مراد است؛ اما در نظر حرکت‌های دفاع از حقوق حیوانات - و همچنین آموزه‌های اسلام که در ادامه تبیین می‌گردند- انسان‌ها و گیاهان نیستند، بلکه دیگر موجودات زنده و خصوصاً آنها که مورد استفاده انسانها قرار می‌گیرند می‌باشند. (Waldau, 2011, 1)؛ و به نظر می‌رسد علت این امر، وجود محسوس جان و احساسات و حدی از عواطف در این حیوانات باشد. البته از دیدگاه متعالی اسلام، همه موجودات و مخلوقات خداوند متعال، دارای شعور و مشغول به حمد و ستایش و تسبیح خداوند می‌باشند:

«تُسَبِّحُ لَهُ السَّمَاوَاتُ السَّبْعُ وَالْأَرْضُ وَمَنْ فِيهِنَّ وَإِنْ مِنْ شَيْءٍ إِلَّا يُسَبِّحُ بِحَمْدِهِ وَ لَكِنْ لَا تَفْقَهُونَ تَسْبِيحَهُمْ إِنَّهُ كَانَ خَلِيماً عَقُوراً» (الإسراء: ۴۴) آسمانهای هفتگانه و زمین و هر کس که در آنهاست او را تسبیح می‌گویند، و هیچ چیز نیست مگر اینکه در حال ستایش، تسبیح او می‌گوید، ولی شما تسبیح آنها را در نمی‌یابید. به راستی که او همواره بردبار آمرزنده است.

۳- اهمیت حیات حیوان

پیش از بیان اهمیت حیات حیوان از دیدگاه اسلام، به نکته‌ای حائز اهمیت اشاره نماییم که اساساً تمام حقوق مطرح شده در مورد حیوانات و به طور کلی هر موجودی، در گرو حیات وی است؛ اگر موجودی زنده

نباشد و حیات نداشته باشد، بحث و بررسی حقوق وی، بی معنا و نامفهوم است، بنابراین می‌توان حیات را پایه و اساس مساله حقوق حیوانات دانست.

قطعا می‌توان گفت تصویر کلی‌ای که اسلام از ارزش حیات حیوان ترسیم می‌نماید، کمتر از حیات انسان‌ها نیست، و بازتاب این امر در آموزه‌های دینی و نیز ابواب مختلف فقهی پدیدار است؛ که در ادامه به مواردی از آن اشاره می‌نماییم.

در روایت آمده است که افرادی مشغول اذیت و آزار و کشتن حیوانی بودند (ظاهرا به عنوان تفریح و سرگرمی)، پس حضرت رسول صلی الله علیه و آله آنها را لعن نمودند. محمد بن محمد بن اشعث در کتاب خود به نام جعفریات (اشعثیات) به اسناد خود از امیرالمومنین علی علیه السلام روایت نموده است که:

«أن رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم مر علی قوم قد نصبوا دجاجة حیه و هم یرمونها (بالنبیل) فقال: من هؤلاء لعنهم الله» (ابن اشعث، بی تا، ۸۴) پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم بر گروهی گذشتند که مرغ زنده‌ای را قرار داده و به آن (تیر) پرتاب می‌کردند، پس فرمودند: این‌ها کیانند؟ خدا لعنتشان کند.

این روایت را راوندی نیز در نوادر خود با اسنادش از ابن اشعث نقل نموده است. (راوندی کاشانی، بی تا، ۳۳) کتاب جعفریات که حاوی بیش از هزار روایت است، ظاهرا در نزد قدماء موجود بوده است اما در برهه از تاریخ مفقود گشته است، تا آنکه مرحوم حاجی نوری صاحب مستدرک ادعا می‌کند که افرادی آن کتاب را برای وی از هند آورده اند، و ظاهرا همین کتاب هم انگیزه اصلی ایشان برای تالیف مستدرک می‌شود. ایشان عنایت خاصی به آن کتاب داشته اند و اولین کتابی است که در خاتمه مستدرک بررسی نموده اند. صاحب جواهر و برخی محققان معاصر در مسائلی چون انتساب اصل کتاب به ابن اشعث؛ صحت و اعتبار نسخه موجود آن و روات واسطه بین ابن اشعث تا معصومین ایراداتی دارند (نجفی، ۱۴۰۴، ۳۹۸/۲۱) و پاسخ‌هایی هم داده شده است (نوری، ۱۴۰۸، الخاتمة ۱/۱۵)، که در نوشتار حاضر مجال بیان آن نیست، خصوصا اینکه مفاد روایت بیشتر اخلاقی است تا فقهی و لذا با نداشتن معارض عقلی و نقلی، تلقی به قبول می‌گردد.

نسبت به کشتن حیوانات در روایات آمده است که اگر کسی، جان و حیات حیوانی را بدون دلیل بگیرد و او را بکشد، در روز واپسین مورد بازخواست قرار خواهد گرفت. نبی مکرم اسلام صلی الله علیه و آله و سلم فرمودند:

«روی عن النبی صلی الله علیه و آله و سلم أنه قال: من قتل عصفورا عبثا جاء يوم القيامة یحج إلى الله یقول یا رب این هذا قتلنی عبثا لم ینتفع بی و لم یدعنی فأکل من خشاش الأرض» (فخررازی، ۱۴۲۰، ۵۲۵/۱۲) «هر کس، گنجشکی را بدون دلیل بکشد، [گنجشک] در روز قیامت با ناله و داد و افغان به خدا عرض می‌کند: ای خدا، این فرد مرا بدون دلیل کشت و از من استفاده‌ای ننمود، و مرا رها ننمود که از حیوانات کوچک تغذیه کنم»

البته روایت مرسل است و حاجی نوری در مستدرک نیز آنرا نقل نموده است (نوری، ۱۴۰۸، ۸، ۳۰۴).
و شبیه به این مضمون از امام باقر علیه السلام نیز در کتاب دعائم الاسلام روایت شده است البته از لحاظ سندی مرسل است. (ابن حیون مغربی، ۱۳۸۵، ۲، ۶۲۹، ۱۷۵)

مرحوم طبرسی به نقل از کتاب محاسن (مجالس) از امام صادق علیه السلام به صورت مرسل روایت نموده است که ایشان کشتن حیوانات را از پلیدترین گناهان برشمرده و چنین فرموده‌اند:

«أقذر الذنوب ثلاثه قتل البهیمه و حبس مهر المرأة و منع الأجير أجره» (طبرسی، ۱۴۱۲، ۲۳۷) پلیدترین گناهان ۳ تا هستند: کشتن حیوانات، حبس نمودن مهر زن، و نپرداختن دستمزد اجیر. همانطور که در این روایات به طور عیان مشاهده می‌گردد، کشتن حیوانات بدون دلیل و گرفتن حق حیات از آنها، و انجام دادن کارهایی که جان آنها را در خطر بیاندازد از روس هوس‌رانی یا سهل‌انگاری، مورد مذمت شدید قرار گرفته است.

در فقه شیعه نیز موارد و مسائل متعددی وجود دارد که فقهاء بزرگوار حکم به حرمت کشتن حیوانات نموده‌اند.

علامه حلی در باب نماز مسافر تصریح دارند: کشتن حیوانات از روی تفریح و بدون دلیل حرام است، و اگر کسی برای چنین شکاری به سفر برود، سفر او سفر معصیت است و نمازش تمام می‌باشد:

«کسی که برای شکار سرگرمی به سفر برود، نمازش شکسته نمی‌شود» (حلی، علامه، ۱۴۱۳، ۱،

۳۲۶)

از دیگر شواهد فقهی حرمت کشتن حیوانات، حرمت به آب انداختن حیوانات زنده به منظور سبک شدن کشتی و حفظ آن از غرق شدن است. شهیدثانی می‌فرماید:

«در هنگام ترس از غرق شدن کشتی، که لازم است وسائلی را به دریا بیاندازند تا کشتی سبک شود، اگر این هدف با به آب انداختن غیر حیوانات تامین می‌شود، حرام است حیوانات به آب انداخته شوند» (عاملی، شهید ثانی، ۱۴۱۳، ۱۵، ۳۸۳)

همچنین فقهاء فرموده‌اند که حتی در جایی که حیوانی باعث تقویت دشمن جنگی شود، کشتن آن جایز نیست. این درحالی است که رسم در جنگ‌های قدیم این بوده است که در هنگام عقب نشینی از ترس اینکه حیواناتشان که نوعی جزو تجهیزات جنگی محسوب می‌شده‌اند، به دست دشمن افتاده و باعث تقویت آنها شود، حیوانات را پی نموده یا می‌کشته‌اند. شیخ طوسی می‌فرماید:

«اگر مسلمانان، اسب و تجهیزات مشرکین را به غنیمت بگیرند، سپس مشرکین به تعقیب مسلمانان پرداخته و آنها را پیدا نمایند، پی کردن و کشتن حیوانات برای جلوگیری از اینکه به دست مشرکین بیافتند جایز نیست» (طوسی، ۱۴۰۷، ۵، ۵۱۸ و ۵۱۹)

حفظ حیات موجودات زنده آنقدر مهم است که در باب نماز که مهمترین واجب دینی و پایه و اساس اسلام محسوب می‌شود گفته شده است، اگر انسان مقدار کمی آب در اختیار داشته باشد، و مصرف نمودن آب برای وضو باعث به خطر افتادن جان و حیات محترمی گردد، لازم است آب را برای حفظ جان نگه دارد و به جای وضو، تیمم نماید، و فرقی ندارد که زندگی انسان یا حیوانی در خطر باشد، حتی اگر حیوان متعلق به فرد دیگری است. شهید ثانی تصریح دارد:

«از موارد وجوب تیمم جایی است که ترس عطش برای نفس محترم ولو حیوان باشد» (عاملی، شهید ثانی، ۱۴۱۰، ۱، ۴۴۸)

و در جای دیگر نیز می‌فرماید، مراد از این عطش، عطش خود فرد یا دیگر نفوس محترمی است که اتلافشان جایز نمی‌باشد، انسان باشند یا حیوان، برای خودش باشد یا دیگری. (عاملی، شهید ثانی، ۱۴۱۳، ۱۱۲/۱) محقق حلی و علامه حلی اگرچه که نظرشان جواز تیمم در چنین موقعیتی است اما تقریبشان چنین است که حیوان مال است و با وجود ترس بر مال، تیمم جایز است. (حلی، علامه، ۱۴۱۲، ۳ T ۲۳ و ۲۲؛ حلی، محقق، ۱۴۰۷، ۳۶۸/۱) برخی چون صاحب مدارک و صاحب حقائق اشکال نموده‌اند که صرف ترس بر مطلق اتلاف مال دلیل بر جواز تیمم نیست، کما اینکه در جای دیگر گفته شده است که اگر لازم باشد باید برای طهارت، آب خریداری شود، باید آب را بخرد، و این یعنی اتلاف مال برای انجام طهارت؛ پس ممکن است در مساله حفظ حیوان نیز بگوییم که تیمم جایز نیست و باید آب را برای وضو یا

غسل استفاده نمود، مگر اینکه از بین رفتن حیوان، ضرر محسوب گردد. (ی. بحرانی، ۱۴۰۵، ۴، ۳۹۰؛ عاملی موسوی، مدارک الاحکام فی شرح عبادات شرائع الاسلام، ۱۴۱۱، ۱۹۵/۲) صاحب جواهر نیز در پاسخ به اشکال مطرح شده، دو پاسخ می‌دهند که اولاً حفظ حیوان به خاطر ادله حفظ مال و اتلاف نکردن آن است که تفاوتی ندارد که این مال کم باشد یا زیاد؛ و ثانیاً حیوان نیز دارای احترام است و تشنه می‌باشد و اذیت نمودن آن حرام می‌باشد؛ بلکه حیوان نیز واجب النفقه انسان است و از جمله موارد نفقه، آب دادن به حیوان است. (نجفی، ۱۴۰۴، ۱۱۵/۵) البته اضراب پاسخ دوم ایشان اخص از مدعی بوده و تنها شامل حیوانات مملوک فرد می‌شود، نه حیوانات غیر مملوک و یا مملوک فرد دیگر.

۴- حق نفقه

پس از روشن شدن ارزش و جایگاه حیات حیوان در مساله حقوق حیوانات، توجه به این نکته لازم است که هر موجود زنده‌ای برای ادامه حیات و زندگی خود نیازمند تأمین و وجود شرایط و امکانات مناسبی مانند تغذیه، پوشاک، سرپناه، درمان و فقهاء از این شرایط و امکانات «نفقه» تعبیر می‌نمایند. ماده «ن ف ق» به معنای قطع شدن و از دست رفتن چیزی است. (ابن فارس، ۱۴۰۴، ۵، ۴۵۴) و «نفقه» در لغت آنچه‌ای است که از دست انسان برود، و به اصطلاح مالی است که انسان خرج کند. (ازهری، بی تا، ۱۵۶/۹؛ صاحب، ۱۴۱۴، ۴۴۵/۵؛ راغب اصفهانی، ۱۴۱۲، ۱۸۱۹/۱؛ فراهیدی، ۱۴۱۰، ۵، ۱۷۷) در اصطلاح فقه مراد از «نفقه»، تأمین و تهیه لوازمی است که فرد به حسب طبیعت، جایگاه و عرف برای زندگی اش به آن وابسته و نیازمند است (مشکینی، ۱۳۷۷، ۵۴۴).

نفقه به ۳ سبب بر انسان واجب می‌شود، اول: زوجیت، دوم: قرابت، سوم: ملکیت. (حلی، محقق، ۱۴۱۸، ۱۹۵/۱) از همین رو، حیوان نیز به عنوان یکی از مملوکات انسان، دارای حق نفقه خواهد بود. فقهاء شیعه با دقت و ریزبینی خاصی مسائل مرتبط با نفقه حیوانات را مورد بحث و اشاره قرار داده‌اند.

۵- حکم تأمین نفقه

تأمین نفقه حیوان واجب است، و بسیاری از فقهاء شیعه بر آن اذعان دارند. به عنوان مثال محقق حلی در شرائع می‌فرماید: نفقه مملوک انسان واجب است (حلی، محقق، ۱۴۰۸، ۲، ۲۹۸) و یا در مختصر النافع می‌فرماید: نفقه بهائم مملوک واجب است (حلی، محقق، ۱۴۱۸، ۱، ۱۹۶). بسیاری از دیگر فقهاء نیز به این

امر اذعان دارند مانند ابن براج (ابن براج، قاضی، ۱۴۰۶، ۲، ۳۵۴)، ابن حمزه (طوسی، ابن حمزه، ۱۴۰۸، ۲۸۷)، علامه حلی (حلی، علامه، ۱۴۱۳، ۳، ۱۱۸)، شهید ثانی (عاملی، شهید ثانی، ۱۴۱۰، ۵، ۴۸۵)، ... بلکه برخی چون صاحب مدارک، فاضل هندی و صاحب ریاض بر عدم اختلاف نظر فقهاء در این موضوع تصریح دارند (اصفهانی، فاضل هندی، ۱۴۱۶، ۷، ۶۱۱؛ حائری طباطبایی، ۱۴۱۸، ۱۲، ۱۹۳؛ عاملی موسوی، نه‌ایه المرام فی شرح مختصر شرایع الاسلام، ۱۴۱۱، ۱، ۴۹۱)

۶- مسئول تأمین نفقه

مسئول تأمین نفقه حیوان در درجه اول مالک آن است و این تکلیف بر عهده او می‌باشد، تا نفقه آنها را تأمین نماید. پس به مجرد اینکه فردی، مالک حیوان گردد، حق تأمین نفقه حیوان بر او واجب می‌گردد. حال اگر تنها یک مالک باشد، تأمین همه نفقه بر او واجب است، و اگر چند نفر مالک باشند، تأمین نفقه مطابق مقدار و حسب سهم ملکیشان، بین آنها تقسیم می‌گردد. همچنین افرادی مانند مستاجر و مستودع حیوان، که مالک حیوان محسوب نمی‌شوند اما فعلا حیوان تحت سلطه آنها قرار دارد نیز در حکم مالک بوده و تأمین نفقه حیوان بر آنها واجب است، هر چند مالک گفته باشد که از حیوان وی محافظت صورت نگیرد. (حلی، ۱۴۲۴، ۱، ۵۱۷؛ حلی، علامه، ۱۴۱۰، ۱، ۴۲۵ و ۴۳۷؛ حلی، محقق، ۱۴۰۸، ۲، ۱۲۹ و ۱۴۸؛ عاملی، شهید ثانی، ۱۴۱۰، ۴، ۲۴۶؛ ۱۴۱۳، ۸۷/۵؛ مقدس اردبیلی، ۱۴۰۳، ۷۱/۱۰ و ۲۸۲)

اما در صورتی که مالک حیوانی مشخص نباشد، مثلا فردی حیوانی را پیدا نماید، وظیفه وی این است که این مطلب را به اطلاع حاکم برساند و بر حاکم جامع هاست که نفقه حیوان از بیت المال پرداخت نماید؛ و اگر حاکم وجود نداشت یا دسترسی به او مقدور نبود، بر خود یابنده حیوان واجب است که تا زمان پیدا شدن صاحب حیوان نفقه حیوان را تأمین نماید، و البته می‌تواند بعدا مبالغ صرف شده را از مالک درخواست نماید؛ اما به هر حال رها نمودن حیوان یا کوتاهی در تأمین نفقه وی جایز نمی‌باشد. (طوسی، ۱۴۰۰، ۳۲۴؛ مفید، ۱۴۱۳، ۶۴۹)

نه تنها مالک و یابنده و حاکم مسئول تأمین نفقه حیوان هستند و بر آنها لازم است، بلکه این مساله بر همه مسلمین خصوصا عدول آنها واجب کفایی است. شهید ثانی در مبحث ارث می‌فرماید که تأمین ما یحتاج اطفال و حیوانات بر همه مسلمانان خصوصا عدول ایشان، واجب کفایی است «آنچه از مونه، که

اطفال و حیوانات به آن نیازمند هستند استثناء است، زیرا چنین چیزهایی بر همه مسلمانان خصوصا عدول ایشان واجب کفایی است» (عاملی، شهید ثانی، ۱۴۱۳، ۶، ۱۶۶)

مساله تامین نفقه حیوان آنقدر حائز اهمیت و مورد عنایت دین اسلام است که فقهاء فرموده‌اند اگر مالک در این کار سهل انگاری نماید و یا برایش مقدور نباشد و از تامین آن بازماند، حاکم جامعه وی را مجبور می‌کند که یا نفقه حیوان را تامین نماید یا حیوان را بفروشد و یا اینکه وی را ذبح نماید (در صورتی که حلال گوشت باشد)؛ و اگر باز هم آنرا انجام ندهد، خود حاکم بنا به مصلحت و مراتب نفع مالک، دست به فروش اموال مالک زده و نفقه حیوان را تامین می‌نماید یا اینکه دستور به فروش حیوانات می‌دهد (حلی، محقق، ۱۴۱۸، ۱، ۱۹۶؛ طوسی، ابن حمزه، ۱۴۰۸، ۲۸۷؛ ب. س. حلی، ۱۴۰۵، ۴۹۱؛ حلی، علامه، ۱۴۱۳، ۳، ۱۱۸؛ عاملی، شهید ثانی، ۱۴۱۰، ۵، ۴۸۵؛ فیض کاشانی، ۱۴۰۱، ۳، ۴۴) و البته در این مرحله، مصلحت مالک را در نظر می‌گیرد:

«اگر اجبار مالک برای تامین نفقه متعذر بود، حاکم طبق نظر خود و مقتضای حال اینکار را انجام می‌دهد، مثلا ملکش را می‌فروشد، یا اگر ملکی نداشت و یا اینکه فروش حیوان بیشتر به نفع او بود، آنها را می‌فروشد، البته می‌تواند همه را یکجا بفروشد، یا اینکه هر روز به مقدار مورد نیاز اینکار را انجام دهد، البته اگر اجازه دادن حیوانات برای تامین نفقه کافی بود و این بیشتر به نفع مالک بود، آنها را اجازه دهد؛ خلاصه اینکه در هر تصمیم، باید مصلحت مالک را مراعات نماید» (نجفی، ۱۴۰۴، ۳۱، ۳۹۵ و ۳۹۶)

ارجاع این مساله در فقه شیعه به حاکم شرع، و بیان آن از وظایف حاکم، روشنگر اهمیت آن و در واقع ضمانت اجرایی آن است. در کدام حقوق و قوانین با این جدیت و حساسیت این امور با این دقت دنبال و بیان شده است؟

۷- شرایط وجوب نفقه

حکم وجوب تامین نفقه حیوان مملوک مطلق است و مقید به شرایط و خصوصیتی در حیوان نشده است، بلکه تصریح شده است که نفقه حیوان مملوک واجب است چه آن حیوان حلال گوشت باشد و چه حرام گوشت، چه مالک از آن کار بکشد و چه نکشد، چه جوان باشد و چه پیر، چه صحیح و سالم باشد و چه معیوب و ... (حلی، محقق، ۱۴۰۸، ۲، ۲۹۸؛ طوسی، ۱۳۸۷، ۴۷/۶؛ حائری طباطبایی، ۱۴۱۸، ۱۲، ۱۹۳) بلکه این مساله تا آخرین لحظات عمر حیوان نیز ادامه دارد:

«تامین نفقه حیوان واجب است ... حتی اگر از او کار نکشد یا اینکه نزدیک به تلف شدن باشد» (عاملی، شهید ثانی، ۱۴۱۰، ۵، ۴۸۱ و ۴۸۲).

۸- موارد نفقه

از مهمترین و شاخص ترین موارد نفقه؛ خوراک، پوشاک و سرپناه است. پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و سلم می‌فرماید:

«للمملوک طعامه و کسوته بالمعروف» (پاینده، ۱۳۸۲، ۶۳۵، ۲۲۷۳) خوراک و پوشاک مناسب، حق مملوک است.

۸-۱- تغذیه

ابتدایی‌ترین لازمه حیات هر موجود زنده‌ای، تغذیه است، زیرا ادامه حیات به واسطه تغذیه است. در روایتی از امام کاظم علیه السلام آمده است که «از مروت فرد این است که حیوانش فربه باشد» (کلینی، ۱۴۰۷، ۶، ۴۷۹)، و این میسر نیست مگر با رسیدگی و تغذیه مناسب حیوان.

روایت شده است که ابوذر غفاری در ریزه، روزی مشغول آب دادن به الاغ خود بود. فردی از او پرسید که ای ابوذر، آیا کسی (خدمتی) نداری که الاغت را آب دهد؟ ابوذر در پاسخ گفت که من دوست دارم که این کار را خودم انجام دهم چرا که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمودند:

«ما من دابة إلا و هی تسأل کل صباح اللهم ارزقنی ملیکا صالحا یشبعنی من العلف و یروینی من الماء و لا یكلفنی فوق طاقتی» (برقی، ۱۳۷۱، ۲، ۶۲۶) «هیچ حیوانی نیست مگر اینکه هر روز صبح از خداوند متعال می‌خواهند، خداوندا صاحب صالحی به ما ارزانی دار، که از علف سیر و از آب سیرابمان نماید و بیش از طاقتمان مکلف مان ننماید.»

این روایت را احمد بن محمد بن خالد برقی در کتاب محاسن خود از حسن بن فضال از ابی المعراء از ابن مسکان از سلیمان بن خالد از امام صادق علیه السلام و همچنین مرحوم کلینی از طریق عده اصحاب خود از احمد بن محمد بن خالد به همان سند روایت نموده است (کلینی، ۱۴۰۷، ۵۳۷: ۶، ۲). در سلسله سند روایت، احمد بن محمد خالد و نیز ابو المعراء که نام او حمید بن مثنی است و نیز سلیمان بن خالد، امامی و ثقه هستند، اما به خاطر وجود حسن بن علی بن فضال که فطحی مذهب بوده است، موثقه محسوب می

گردد. به هر حال این گفتار پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم بیانگر شعور و شخصیت حیوانات است، همان شخصیتی که به فرموده قرآن کریم، تسبیح خداوند می کند، که طبق این روایت، از خداوند متعال مالکی را تقاضا می کند که با او به ملاحظت رفتار نماید.

طبق آنچه در روایات نقل شده است مساله تغذیه حیوانات تاثیر عجیبی نیز در سرنوشت انسان دارد، پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و سلم فرمودند: در شب معراج زنی را در آتش دیدم زیرا گربه‌ای را بسته بوده تا از گرسنگی مرده بود، و نیز مردی را در بهشت دیدم زیرا سگ تشنه‌ای را سیراب نموده بود و بدین سبب مورد بخشش خداوند قرار گرفته بود. (ابن اثیر جزری، ۱۳۶۷، ۲، ۳۳؛ ابن اشعث، بی تا، ۱۴۳؛ ابن حیون مغربی، ۱۳۸۵، ۲، ۴۶۸، ۱۶۶۶). باید توجه داشت که بیان این مطلب از سوی شخص نخست عالم امکان که از شهود قدسی ایشان روایت و حکایت دارد، همانا بیانگر بازتاب و نتیجه اخروی رفتار ما با حیوانات است و نقش به سزایی در ایجاد انگیزه در مراعات آن دارد.

می توان تغذیه حیوان را مهمترین مورد نفقه دانست، تا آنجا که فقهاء از آن به حق الله تعبیر نموده‌اند، و گفته‌اند حتی اگر مالک حیوان، دیگران را از فراهم کردن آذوقه حیوان منع و نهی نمود، تکلیف از عهده دیگران ساقط نمی شود، بلکه با این وجود نیز بر تمام افرادی که دسترسی به حیوان دارند، واجب است که از تلف شدن حیوان جلوگیری کنند و تغذیه او را فراهم نمایند، زیرا حیوان دارای روح است، و این حق خداوند متعال می باشد اگرچه که مالک او حق را ساقط کرده باشد (حلی، محقق، ۱۴۰۸، ۲، ۱۳۰؛ عاملی، شهید ثانی، ۱۴۱۰، ۴، ۲۴۶؛ نجفی، ۱۴۰۴، ۲۷، ۱۱۱).

فقهاء گرانقدر مانند دیگر ابواب فقه که با ریزینی و دقت خاصی به بررسی مسائل می پردازند در این مساله نیز فرموده‌اند که اگر حیوانی بچه شیرخوار داشت و بچه به آن شیر نیاز داشت، تنها شیر اضافه متعلق به صاحب حیوان است. (طوسی، ۱۴۰۸، ۲۸۷) بنابراین حق استفاده بچه حیوان از شیر مادرش به عنوان تغذیه، بر مالک حیوان مقدم است و اگر شیر اضافی وجود ندارد چیزی در اختیار مالک قرار نمی گیرد پس تغذیه حیوان و بچه آن هر دو از حقوق مسلمی است که رعایت آنها لازم می باشد. «اگر چهارپا، بچه‌ای داشت باید به اندازه نیاز او از شیر مادر تامین کند، پس اگر نیاز بچه با غیر از شیر مادر تامین شود مثل اینکه علف بخورد یا اینکه به چرا برود، گرفتن شیر مادر جایز است اما اگر گرفتن شیر مادر به بچه ضرر برساند مثلا سال حاصلخیزی نباشد و علف به میزان لازم پیدا نشود، گرفتن شیر مادر جایز نیست.» (حلی، علامه، ۱۴۱۳، ۳، ۱۱۸) امیر المومنین علی علیه السلام در دستورالعمل به جمع آورندگان زکات و مالیات

دستور صادر می‌کند که بین حیوان (شتر ماده) و بچه شیرخوارش فاصله نیندازید (زیرا برای تغذیه اش به مادر نیاز دارد) و شیر او را ندوشید، زیرا این کار به بچه ضرر می‌رساند:

«فإذا أخذها أمينك فأوعز إليه ألا يحول بين ناقه و بين فصيلها و لا يمصر لبنها فيضر ذلك بولدها» (شريف رضى، ۱۴۱۴، ۳۸۱) و آنگاه که امين تو [شتر را برای رساندن به مرکز] گرفت، به سفارش کن که بين شتر و نوزادش جدائی نيفکند و شیر آن را ندوشد که به بچه اش زیان وارد شود.

۸-۲- نوع و مقدار تغذیه

واقعیت این است که برای تغذیه نمی‌توان مقدار و معیار ثابت و مشخصی در نظر گرفت، چراکه حیوانات انواع و حالات مختلفی دارند، در کلام فقهاء نیز مقدار خاصی برای تغذیه حیوان معین نشده است، بلکه گفته شده است لازم است مالک بسته به نوع حیوان و شرایط زمان و مکان؛ نوع مطلوب و مقدار تغذیه مورد نیاز حیوان را برای او فراهم آورد، و به میزانی که بدن او نیاز دارد به تغذیه او بپردازد، بلکه تصریح شده است که اقرب این است که تغذیه حیوان به اندازه‌ای باشد که گرسنگی او را برطرف نماید، نه صرف اینکه او را زنده نگه دارد (حائری طباطبایی المجاهد، بی‌تا: ۵۸۶؛ حلی، علامه، ۱۴۱۳، ۳، ۱۱۸؛ حلی، محقق، ۱۴۰۸، ۲، ۲۹۸؛ عاملی، شهید ثانی، ۱۴۱۳، ۸، ۴۹۸)

اگرچه که بیان فوق خود یک ضابطه کلی برای مقدار و میزان تامین تغذیه است، اما به سبب فراگیر بودن پرورش زنبور عسل و کرم ابریشم، تغذیه آنها به صورت جداگانه نیز در کلام فقهاء مورد بیان و تاکید واقع شده است که تغذیه ایشان به باقی گذاشتن مقداری عسل و فراهم آوردن برگ توت است (عاملی، شهید ثانی، ۱۴۱۳، ۸، ۵۰۳).

۸-۳- شیوه و مراحل تأمین تغذیه

فقهاء شیعه به روش و مراحل تامین تغذیه حیوان نیز اشاره نموده‌اند، و بدین صورت تبیین نموده‌اند که اگر حیوان در آبادی است، پس مالک باید علف را برای او مهیا سازد زیرا چراگاهی در شهر نیست، و اگر در صحرا هستند و علف و گیاه به میزان کافی و مورد احتیاج حیوان وجود دارد، باید وی را در چراگاه رها

سازد، اما اگر زمین خشک باشد و علوفه اصلا نباشد یا باشد اما به میزان کافی برای حیوان نباشد، مالک باید علوفه را برای او مهیا سازد.

بهائیم به دو گونه هستند، یا در شهر هستند یا در دشت و بیابان، اگر در داخل شهر باشند پس بر مالک است که بر او انفاق کن، بدین صورت که به او علف دهد، زیرا در دل شهر چراگاهی نیست، ... اما اگر در صحرا باشند باز دو گونه است، اگر علف به اندازه کافی باشد و کفاف او را بدهد، او را در دشت رها کند، اما اگر زمین خشک و بی علوفه باشد، یا اینکه علوفه باشد اما برای حیوان کم است، بنابراین در اینصورت نیز باید برای او علوفه مهیا نماید (طوسی، ۱۳۸۷، ۴۷، ۶).

توجه به حفظ جان حیوان مملوک و محترم مانند حفظ جان انسانها است، و آنقدر مهم است که علیرغم حق مالکیت افراد نسبت به اموالشان، و حرمت غضب، گفته شده است که در صورتی که مالک حیوان علوفه نداشته باشد، واجب است از دیگری خریداری نماید، اما اگر مالک علوفه حاضر به فروش آن نشود و علوفه دیگری نیز برای تغذیه حیوان نباشد، سرقت و غضب علوفه برای زنده نگه داشتن حیوان جایز است همانطور که سرقت غذا برای زنده نگه داشتن انسان جایز است، علامه حلی می فرماید:

اگر آن فرد از فروش علوفه خودداری نمود، و کس دیگری هم نداشت، مالک می تواند آنرا با زور بگیرد، همانگونه که برای تغذیه خودش مجبور می شود (حلی، علامه، ۱۴۱۳، ۳، ۱۱۸).

همچنین، شهید ثانی هم تصریح نمایند:

اگر کس دیگری علوفه نداشته باشد، و مالک نیز حاضر به بذل در ازای عوض آنها نیست، جایز است آنرا غضب کند، همانگونه که جایز است آنرا برای حفظ انسان غضب کنند (عاملی، شهید ثانی، ۱۴۱۳، ۸، ۵۰۳).

البته برخی نسبت به این مورد گویند که در صورت امکان باید این کار از طریق حاکم صورت گیرد (اصفهانی، فاضل هندی، ۱۴۱۶، ۷، ۶۱۳).

۸-۳-۱- زمان تغذیه

در روایاتی از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم و امام صادق علیه السلام توصیه شده است تغذیه حیوانات به موقع باشد، و هنگامی که از او پیاده می شود یا بار را از پشت او می گیرد اولین کار این باشد که علوفه وی را به او ارائه دهد و اگر از آبی عبور می کند، اجازه دهد و وقت بگذارد و آب به او عرضه نماید:

«... و یبدأ بعلفها إذا نزل ... و يعرض علیها الماء إذا مر به» (برقی، ۱۳۷۱، ۲، ۶۹۶، ۶۲۷؛ صدوق، ۱۴۱۳، ۲، ۲۴۶۵، ۲۸۶؛ کلینی، ۱۴۰۷، ۶، ۵۳۷، ۵۳۱) هنگامی که [از پشت] او فرود آمد، ابتدا به او علف بدهد ... و اگر بر آب گذشت، آب را به او عرضه کند.

و شبیه آن از امام صادق علیه السلام نیز روایت شده است (برقی، ۱۳۷۱، ۲، ۳۸۸، ۳۶۱؛ صدوق، ۱۴۱۳، ۲، ۲۴۸۱، ۲۹۰) و همچنین توصیه شده است که اگر از زمین خشکی عبور می‌کنید، از آنجا سریع عبور کنید، اما اگر زمین حاصلخیز و پر آب و علفی است، به سرعت از آن عبور ننمایید تا حیوان فرصت تغذیه داشته باشد (برقی، ۱۳۷۱، ۲، ۳۸۷، ۳۶۱).

به تأخیر انداختن نفقه حیوان از زمان مورد نیاز، حرام است. برخی فقهاء فرموده‌اند: «نفقه حیوان امتاع است نه تملیک، پس اگر از زمانش بگذرد ساقط می‌شود اگرچه که کار حرامی انجام داده است» (حائری طباطبایی المجاهد، بی‌تا، ۵۸۶؛ سبزواری، ۱۴۲۳، ۲، ۳۱۱).

۸-۴- سرپناه و پوشش

هر حیوانی برای زنده ماندن و استفاده از حق حیات خویش، علاوه بر تغذیه، نیازمند سرپناه و نیز پوشش مناسب است؛ و چه بسا این سرپناه و پوشش در حیات حیوان تأثیر مستقیم داشته باشد مانند آنجا که برای در امان ماندن از سرمای شدید یا خطر حیوانات درنده باشد.

از نظر دین اسلام، تنها زنده ماندن حیوانات هدف نیست، بلکه زندگی در کمال آرامش و بدون اذیت و آزار مد نظر است؛ لذا در فقه اسلامی تامین استراحتگاه و پناهگاه مناسب، و نیز توجه به پوشش حیوان مورد توجه قرار گرفته است و فقهاء شیعه به تامین محل زندگی و پوشش مناسب برای حیوانات نیز اشاره نموده‌اند، و این مطلب نیز به همان اندازه تغذیه مورد تسالم فقهاء است.

این مسائل کاملاً در عرض و هم رتبه تغذیه حیوان، جزو نفقه حیوان دانسته و بیان شده‌اند. شهید ثانی و دیگران تصریح می‌نمایند:

آماده سازی و مهیا نمود مکان برای حیوان مانند آغل و اصطبل به گونه ای که مناسب حال حیوان باشد واجب است، حتی اگر حیوان از کارافتاده یا در شرف مرگ باشد. (عاملی، شهید ثانی، ۱۴۱۰، ۵، ۴۸۱؛ حائری طباطبایی، ۱۴۱۸، ۱۲، ۱۹۳)

البته واقعیت اینگونه است که در مناطق و جغرافیاهای متفاوت، و همچنین فصل های مختلف، مکان اختصاصی حیوانات و پوشش مورد نیاز آنها یکسان نیست. این نکته نیز مورد توجه و تصریح فقهاء قرار گرفته است که مسکن و سرپناه و پوشش حیوانات نیز باید به صورت متعارف و با توجه به شرایط زمان و مکان مختلف و مناسب آن باشد، و مالک حیوان باید در هر منطقه ای مناسب حال آن منطقه و عرف آنجا محل حفاظت و استراحت حیوانات و پوشش آنها را تهیه نماید. صاحب جواهر می فرماید:

تامین آنچه حیوان بدان نیاز دارد، از جمله خوراک و آب و مکان و پوشش و دیگر موارد، به حسب اختلاف زمانها و مکانها واجب است. (نجفی، ۱۴۰۴، ۳۱، ۳۹۵)

این مساله نه تنها نسبت به حیوانات شایع مانند چهارپایان اهلی و ... مطرح شده است، بلکه نسبت به تامین مکان مناسب برای زندگی کرم ابریشم که موجود و حیوانی کوچک است نیز تصریح شده است، و کوتاهی در آن گناه شمرده شده است. شهید ثانی و دیگران به محل نگهداری مناسب برای کرم ابریشم اشاره می نمایند و می فرمایند:

از جمله حیواناتی که واجب النفقه هستند کرم ابریشم است، و مالک آن در صورت کوتاهی در تامین تغذیه و قرار دادن آنها در محل مناسب با توجه به شرایط زمانی، مرتکب گناه می گردد. (عاملی، شهید ثانی، ۱۴۱۰، ۵، ۴۸۲؛ عاملی موسوی، نهاییه المرام فی شرح مختصر شرایع الاسلام، ۱۴۱۱، ۴۹۱؛ حائری طباطبایی، ۱۴۱۸، ۱۲، ۱۹۴).

۸-۵- دیگر موارد

توجه و عنایت خاص فقهاء شیعه به این مسائل روشن کننده این مطلب است که نباید به حداقل هایی برای زنده ماندن حیوان اکتفاء شود، بلکه علاوه بر تامین غذا و سرپناه و پوشش، مسائل دیگری نیز در حیات حیوان تاثیر دارند، و بر کیفیت و کمیت آن می افزایند، مانند بهداشت، درمان و ... امام صادق علیه السلام از قول رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم فرمودند: *أغلّ گوسفند را تمیز کرده و خاک را از بدن آن بزدائید.* (کلینی، ۱۴۰۷، ۵۴۴/۶ ح ۵۴۳) البته در برخی نسخ کافی مانند نسخه مرحوم فیض در الوافی به جای واژه «رعامها»، واژه «رغامها» است (فیض کاشانی، ۱۴۰۶، ۲۰، ۸۵۰ ح ۴) که به معنی گرفتن مخاط بینی گوسفند است، و باز هم منظور اهمیت و توجه به بهداشت حیوان است.

همچنین نسبت به بهداشت تغذیه حیوان نیز توصیه شده است، از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم روایت شده است:

هر کس برای اسبش جو را پاک کند و سپس به او بدهد، خداوند در ازای هر دانه جو، به او حسنه می دهد (مجلسی دوم، علامه، ۱۴۱۰، ۶۱ (۱۷۷۲)

شهید ثانی در بحث ودیعه می فرماید: دوا و دیگر چیزهایی که حیوان بدان نیازمند است نیز در حکم نفقه هستند (عاملی، شهید ثانی، ۱۴۱۰، ۴، ۲۴۶؛ ۱۴۱۳، ۵، ۸۸).

بسیاری از دیگر فقهاء نیز به این مطلب تصریح نموده اند و در کتب فقهی خویش فرموده‌اند که چیزهایی که زندگی حیوان و بقاء حیات او به آنها وابسته است مانند دارو و ... نیز در حکم نفقه بوده و واجب می‌باشند، مانند محقق سبزواری (سبزواری، ۱۴۲۳، ۱، ۶۹۳)، فیض کاشانی (ح. ب. م. بحرانی، بی تا، ۱۳، ۲۳)، صاحب مفتاح الکرامه (عاملی حسینی، ۱۴۱۹، ۶، ۲۶)، و

بلکه برخی به طور کلی هر آنچه در صحت و سلامت حیوان مؤثر است و حیوان بدان نیاز دارد را در حکم نفقه و واجب دانسته اند. شهید ثانی می فرماید:

هر آنچه حیوان به آن نیازمند است، نیز مانند [عذا و علوفه و مکان و ... واجب] است. (عاملی، شهید ثانی، ۱۴۱۰، ۵/۴۸۲؛ سبزواری، ۱۴۲۳، ۲، ۳۱۲).

۹- نتیجه

از دیدگاه اسلام، حیوانات نیز به عنوان یکی از مخلوقات خداوند متعال دارای حقوق می باشند و به آنها توجه و عنایت ویژه ای شده است. این نگاه، حاکی از ارزش و منزلت آنها می باشند و بسیار متفاوت از نگاه پست برخی تفکرات نسبت به حیوانات است. به تبع توجهات خاص دین اسلام و تعالیم پیامبر مکرم اسلام صلی الله علیه و آله و سلم و آموزه های ائمه اطهار علیهم السلام، این مطالب در فقه شیعه نیز رسوخ کرده است و فقهاء شیعه در ابواب مختلف فقهی خود که با این مطلب مرتبط بوده است، به ابراز نظر و رای پرداخته اند. یکی از مباحث فقهی که نمود کاملی از توجه اسلام را نشان می دهد، مساله حق نفقه حیوان است. فقهاء گرانقدر شیعه در مباحث مرتبط با حق نفقه، به ذکر احکام مرتبط با آن پرداخته اند. در طی این پژوهش روشن شد که تامین نفقه حیوانات بر مالک حیوان و در مراحل بعدی بر حاکم واجب

است، در هر شرایطی و هر نوع حیوانی که باشد. از روشن ترین مصادیق نفقه، تغذیه، سرپناه و پوشش و بهداشت حیوان است که به حسب عرف باید مورد تامین قرار گیرد.

این احکام فقهی دورنمای جامعی است از آنچه عموماً حرکت‌های حمایت از حیوانات به دنبال آن هستند، و متأسفانه از این میراث ارزشمند که شعاعی است از منبع بیکران نور اسلام و شاهد و زمینه ساز پویایی فقه شیعه، آگاهی نداشته و بهره نبرده‌اند و آگاهانه و یا غیر آگاهانه ادیان خصوصاً اسلام را از نافیان و مخالفان و بی توجهان به حقوق حیوانات بر می‌شمارند. شایان ذکر مجدد است که آنچه در این پژوهش مورد بررسی قرار گرفت، تنها احکام فقهی نفقه حیوان بود، و به دیگر تعالیم اسلامی مرتبط با حیوانات خصوصاً آموزه‌های اخلاقی که خود دریایی هستند، پرداخته نشد.

فهرست منابع

۱. قرآن کریم
۲. ابن اثیر جزری، مبارک بن محمد، (۱۳۶۷)، النهایه فی غریب الحدیث و الأثر، اسماعیلیان، قم، چاپ چهارم.
۳. ابن اشعث، محمد بن محمد، (بی‌تا)، الجعفریات، مکتبه النینوی الحدیثه، تهران، چاپ اول.
۴. ابن براج، قاضی، عبدالعزیز، (۱۴۰۶)، المهدب، دفتر انتشارات اسلامی، قم، چاپ اول.
۵. ابن حیون مغربی، نعمان بن محمد، (۱۳۸۵)، دعائم الاسلام، موسسه آل البیت علیهم السلام، قم، چاپ دوم.
۶. ابن درید، محمد بن حسن، (بی‌تا)، جمهره اللغه، دار العلم للملایین، بیروت، چاپ اول.
۷. ابن سیده، علی بن اسماعیل، (بی‌تا)، المحکم و المحيط الأعظم، دار الکتب العلمیه، بیروت، چاپ اول.
۸. ابن فارس، احمد، (۱۴۰۴)، معجم مقائیس اللغه، مکتب الاعلام الاسلامی، قم، چاپ اول.
۹. ازدی، عبدالله بن محمد، (۱۳۸۷)، کتاب الماء، دانشگاه علوم پزشکی ایران، تهران، چاپ اول.
۱۰. ازهری، محمد بن احمد، (بی‌تا)، تهذیب اللغه، دار احیاء التراث العربی، بیروت، چاپ اول.
۱۱. اصفهانی، فاضل هندی، محمد بن الحسن، (۱۴۱۶)، کشف اللثام و الإبهام عن قواعد الاحکام، دفتر انتشارات اسلامی، قم، اول
۱۲. الجوهری، اسماعیل بن حماد، (۱۴۱۰)، الصحاح، تاج اللغه و صحاح العربیه، دار العلم للملایین، بیروت، چاپ اول.
۱۳. صاحب، اسماعیل بن عباد، (۱۴۱۴)، المحيط فی اللغه، عالم الکتب، بیروت، چاپ اول.
۱۴. انصاری شیخ اعظم، مرتضی، (۱۴۱۵)، کتاب المکاسب المحرمه و البیع و الخیارات، کنگره جهانی بزرگداشت شیخ اعظم انصاری، قم، چاپ اول.

۱۵. بحرانی، حسین بن محمد، (بی‌تا)، الانوار اللوامع فی شرح مفاتیح الشرائع، مجمع البحوث العلمیه، قم، چاپ اول.
۱۶. بحرانی، یوسف، (۱۴۰۵)، الحدائق الناضره فی احکام العتره الطاهره، دفتر انتشارات اسلامی، قم، چاپ اول.
۱۷. برقی، احمد بن محمد بن خالد، (۱۳۷۱) (۱۳۷۱)، المحاسن، دار الکتب الاسلامیه، قم، چاپ دوم.
۱۸. پاینده، ابوالقاسم، (۱۳۸۲)، نهج الفصاحه، دنیای دانش، تهران، چاپ چهارم.
۱۹. جوادی آملی، عبدالله، (۱۳۸۴)، حق و تکلیف در اسلام، اسراء، قم، چاپ اول.
۲۰. حائری طباطبایی المجاهد، سید محمد بن علی، (بی‌تا)، کتاب المناهل، مؤسسه آل البيت، قم، چاپ اول.
۲۱. حائری طباطبایی، سید علی بن محمد، (۱۴۱۸)، ریاض المسائل، موسسه آل البيت، قم، چاپ اول.
۲۲. حلی، شمس الدین محمد بن شجاع القطان، (۱۴۲۴)، معالم الدین فی فقه آل یاسین، مؤسسه امام صادق علیه السلام، قم، چاپ اول.
۲۳. حلی، یحیی بن سعید، (۱۴۰۵)، الجامع للشرائع، موسسه سید الشهداء علیه السلام، قم، چاپ اول.
۲۴. حلی، علامه، حسن بن یوسف بن مطهر الاسدی، (۱۴۱۰)، ارشاد الادهان الی احکام الایمان، دفتر انتشارات اسلامی، قم، چاپ اول.
۲۵. حلی، علامه، حسن بن یوسف بن مطهر الاسدی، (۱۴۱۲)، منتهی المطلب فی تحقیق المذهب، مجمع البحوث الاسلامیه، مشهد، چاپ اول.
۲۶. حلی، علامه، حسن بن یوسف بن مطهر الاسدی، (۱۴۱۳)، قواعد الاحکام فی معرفه الحلال و الحرام، دفتر انتشارات اسلامی، قم، چاپ اول.
۲۷. حلی، محقق، جعفر بن حسن، (۱۴۰۷)، المعتمد فی شرح المختصر، موسسه سید الشهداء علیه السلام، قم، چاپ اول.
۲۸. حلی، محقق، جعفر بن حسن، (۱۴۰۸)، شرائع الاسلام فی مسائل الحلال و الحرام، اسماعیلیان، قم، چاپ دوم.
۲۹. حلی، محقق، جعفر بن حسن، (۱۴۱۸)، المختصر النافع فی فقه الامامیه، موسسه المطبوعات الدینیة، قم، چاپ ششم.
۳۰. خراسانی، آخوند، محمد کاظم، (۱۴۰۶)، حاشیه مکاسب، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، تهران، چاپ اول.
۳۱. رازی، فخرالدین، (۱۴۲۰)، مفاتیح الغیب، دار احیاء التراث العربی، بیروت، چاپ سوم.
۳۲. راعب اصفهانی، حسین بن محمد، (۱۴۱۲)، مفردات الفاظ القرآن، دار القلم، بیروت، چاپ اول.
۳۳. راوندی کاشانی، فضل الله بن علی، (بی‌تا)، النوادر، دار الکتب، قم، اول.
۳۴. سبزواری، محمد باقر بن محمد، (۱۴۲۳)، کفایه الأحکام، دفتر انتشارات اسلامی، قم، چاپ اول.

۳۵. شریف رضی، سید محمد بن الحسین، (۱۴۱۴)، نهج البلاغه، هجرت، قم، چاپ اول.
۳۶. صدوق، محمد بن علی بن بابویه، (۱۴۱۳)، کتاب من لا یحضره الفقیه، دفتر انتشارات اسلامی، قم، چاپ دوم.
۳۷. طباطبایی، سید محمد حسین، (۱۴۱۷)، المیزان فی تفسیر القرآن، دفتر انتشارات اسلامی، قم، چاپ پنجم.
۳۸. طباطبایی یزدی، سید محمد کاظم، (۱۴۲۱)، حاشیة المکاسب، اسماعیلیان، قم، چاپ دوم.
۳۹. طبرسی، حسن بن فضل، (۱۴۱۲)، مکارم الاخلاق، شریف رضی، قم، چاپ چهارم.
۴۰. طوسی، محمد بن الحسن، (۱۳۸۷)، المبسوط فی فقه الإمامیه، المكتبة المرتضوية لإحياء الآثار الجعفرية، تهران، سوم.
۴۱. طوسی، محمد بن الحسن، (۱۴۰۰)، النهاية فی مجرد الفقه و الفتاوی، دار الکتب العربی، بیروت، چاپ دوم.
۴۲. طوسی، محمد بن الحسن، (۱۴۰۷)، الخلاف، دفتر انتشارات اسلامی، قم، چاپ اول.
۴۳. طوسی، ابن حمزة، محمد بن علی، (۱۴۰۸)، الوسيلة الی نیل الفضيلة، کتابخانه آیه الله مرعشی نجفی، قم، چاپ اول.
۴۴. عاملی موسوی، محمد بن علی، (۱۴۱۱)، مدارک الاحکام فی شرح عبادات شرائع الاسلام، مؤسسه آل البيت، بیروت، چاپ اول.
۴۵. عاملی موسوی، محمد بن علی، (۱۴۱۱)، ۱۴۱۱، نهاية المرام فی شرح مختصر شرایع الاسلام، دفتر انتشارات اسلامی، قم، چاپ اول.
۴۶. عاملی، شهید ثانی، زین الدین بن علی، (۱۴۱۰)، الروضة البهية فی شرح اللمعة الدمشقية، کتابفروشی داوری، قم، چاپ اول.
۴۷. عاملی، شهید ثانی، زین الدین بن علی، (۱۴۱۳)، مسالك الأفهام الی تنقیح شرائع الإسلام، مؤسسة المعارف الاسلامیة، قم، چاپ اول.
۴۸. فراهیدی، خلیل بن احمد، (۱۴۱۰)، کتاب العین، نشر هجرت، قم، چاپ دوم.
۴۹. فیض کاشانی، محمد محسن، (۱۴۰۱)، مفاتیح الشرائع، کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی، قم، چاپ اول.
۵۰. فیض کاشانی، محمد محسن، (۱۴۰۶)، الوافی، کتابخانه امام امیر المومنین علیه السلام، اصفهان، چاپ اول.
۵۱. کلینی، محمد بن یعقوب، (۱۴۰۷)، الکافی، دار الکتب الاسلامیة، تهران، چاپ چهارم.
۵۲. مجلسی دوم، علامه، محمد باقر، (۱۴۱۰)، بحار الانوار، مؤسسة الطبع و النشر، بیروت، چاپ اول.
۵۳. مشکینی، علی، (۱۳۷۷)، مصطلحات الفقه، الهادی، قم، چاپ اول.
۵۴. مصطفوی، حسن، (۱۴۰۲)، التحقيق فی کلمات القرآن الکریم، دار الکتب العلمیه، بیروت، چاپ سوم.

۵۵. مطهری، مرتضی، (۱۳۶۹)، نظام حقوق زن در اسلام، صدرا، تهران، چاپ چهاردهم
۵۶. مطهری، مرتضی، (۱۳۷۰)، بیست گفتار، صدرا، تهران، چاپ هفتم.
۵۷. مطهری، مرتضی، (۱۳۷۳)، حکمتها و اندرزها، صدرا، تهران، چاپ سوم.
۵۸. مفید، محمد بن محمد بن نعمان، (۱۴۱۳)، المقنعة، کنگره جهانی هزاره شیخ مفید، قم، چاپ اول.
۵۹. مقدس اردبیلی، احمد بن محمد، (۱۴۰۳)، مجمع الفائدة و البرهان فی شرح ارشاد الأذهان، دفتر انتشارات اسلامی، قم، چاپ اول.
۶۰. مکارم شیرازی، ناصر، (۱۴۲۴)، کتاب النکاح، انتشارات مدرسه امام علی بن ابی طالب علیه السلام، قم، اول.
۶۱. نجفی، محمد حسن، (۱۴۰۴)، جواهر الکلام فی شرح شرائع الاسلام، دار احیاء التراث العربی، بیروت، چاپ هفتم.
۶۲. نوری، میرزا حسین، (۱۴۰۸)، مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل، موسسه آل البيت عليهم السلام، قم، چاپ اول.
63. Bekof, .M. & Goodall, J. (2010). *Encyclopedia of animal rights and animal welfare*. USA: ABC-CLIO.
64. Curnutt, J. (2001). *Animals and the Law: A Sourcebook* . USA: ABC-CLIO
65. Francione, G. L., (2007). *Animals, property, and the law*. USA: Temple University Press.
66. Franklin, J. H., (2005). *Animal rights and moral philosophy*. Columbia: University Press.
67. Mack, G., (2012). *Animal Rights*. Marshall Cavendish Corporation.
68. Nordenfelt, L. (2006). *Animal and human health and welfare: a comparative philosophical analysis*. UK: CABI.
69. Schaffner, J., (2011). *An Introduction to animals and the law*. Palgrave UK: Macmillan.
70. Sherry, C J., (2009). *Animal rights : a reference handbook*. USA: ABC-CLIO.
71. Waldau, P. , (2011). *Animal rights : what everyone needs to know*. USA: Oxford University Press.
72. Yount, L., (2008). *Animal rights*. USA: Inc.